

# بوستان سعد

سعدی نامه

۵۱-۵۲	بخش اول
۵۵	پیشگفتار
۵۶-۵۷	بخش دوم
۵۷-۵۸	بخش سوم
۵۸-۵۹	بخش چهارم
۵۹	بخش پنجم
۶۰-۶۱	بخش ششم
۶۱	بخش هفتم
۶۲	بخش هشتم
۶۲	بخش نهم
۶۳-۶۴	بخش دهم
۶۴-۶۵	بخش یازدهم
۶۵-۶۶	بخش دوازدهم
۶۶-۶۷	بخش سیزدهم
۶۷	بخش چهاردهم
۶۷-۶۸	بخش پانزدهم
۶۸	بخش شانزدهم

تصحیح و توضیح  
دکتر علّامه حسین یوسفی

شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

۵۵-۵۴	۲۰۰-۱۰	حکایت در معنی شفقت	بخش اول
۵۵		حکایت اتابک نکله	
۵۶-۵۵	۱۱-۱۰	حکایت ملک روم با دانشمند	پیشگفتار
۵۷-۵۶	۱۶-۱۲	حکایت مرزبان ستمگار بازاهد	مقدمه چاپ اول
۵۸-۵۷	۳۰-۱۷	گفتار اندر ننگ داشتن خاطر درویشان	جهان مطلوب سعیدی در بوستان
		حکایت در معنی رحمت بانا توانان در	
۵۸	۲۰۰-۳۱	حال توانایی	متن کتاب
۵۹-۵۸		حکایت	
۵۹	۳۵-۳۳	اندر معنی عدل و ظلم و ثمره آن	نیایش خداوند
	۳۷-۳۵	چکایت برادران ظالم و عادل و عاقبت	فی نعت سید المرسلین علیه الصلوة والسلام
۶۱-۶۰	۳۸-۳۷	ایشان	در سبب نظم کتاب
۶۱	۴۰-۳۸	صفت جمعیت اوقات درویشان راضی	ابو بکر بن سعد بن زنگی
۶۲	۴۱-۴۰	حکایت عابد و استخوان پوسیده	محمد بن سعد بن ابو بکر
	۴۱	گفتار اندر نگو کاری و بد کاری و عاقبت	حکایت
۶۲		آنها	
۶۳-۶۲	۷۸-۴۲	حکایت شحنة مردم آزار	باب اول در عدل و تدبیر و روی
۶۴-۶۳		حکایت حجاج یوسف ...	
	۵۱-۴۶	در نواخت رعیت و رحمت بر افتادگان،	حکایت در تدبیر و تأخیر در سیاست
۶۵-۶۴	۵۱	حکایت در این معنی	گفتار اندر بخشایش برضعیفان
۶۵	۵۲	گفتار اندر بی وفائی دنیا	در معنی شفقت بر حال رعیت
۶۶-۶۵	۵۳	در تغیر روزگار و انتقال مملکت	حکایت در شناختن دوست و دشمن را
۶۶	۵۴-۵۳	حکایت قزل ارسلان با دانشمند	گفتار اندر نظر در حق رعیت مظلوم

### جهان مطلوب سعدی در بوستان

اگر در سرای سعادت کس است

ز گفتارِ سعیدش حرفی بس است

پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان بیش از دیگر آثار او جلوه گریست. بعبارت دیگر سعدی مدینه فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است. در این کتاب پر مغز از دنیای واقعی — که آکنده است از زشتی و زیبایی، تاریکی و روشنی، و بیشتر اسیر تباهی و شقاوت — کمتر سخن می‌رود بلکه جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانیت یعنی عالم چنان که باید باشد، و به قول مولوی «شربت اندر شربت است».

هر گاه از سختیها و آلام دنیا آزاده خاطر می‌شویم سیر در بوستان سعدی لطفی دیگر دارد. به ما کمال مطلوبی عرضه می‌کند. همتان را بر می‌انگیزد که در لجه دنیای فرودین دست و پا نزنیم و بال بگشاییم به سوی آسمان صاف و روشن سعادت و وارستگی. شگفت این که در بوستان در عین تعالی و پرگشایی انسان به سوی «فردوس برین»، آدم از این «دیر خراب آباد» غافل نیست. یعنی جهان آرزو و امید، زمین و جهان عینی و محسوس را از یاد نمی‌برد بلکه به ما خاطر نشان می‌کند که بهتر ساختن دنیا — به قول کاموا — در توان ماست.

بنده بوستان را عالم مطلوب سعدی می‌پندارم و اینک پس از سیر و تأمل در این فضای دلپذیر می‌خواهم گوشه‌هایی از این جهان نورانی و چشم نواز را پیش نظر آورم. اما هم اکنون اذعان می‌کنم که بیان قاصر من نخواهد توانست جهان آرزوی سعدی را چنان که هست عرضه کند، خاصه آنچه او به سخنی چنان دلنشین گفته است.

سعدی در تصویر این مدینه فاضله دائم از تجربه‌ها، سرگذشتها و روایات گذشتگان یاد می‌کند. در نظر او در ورای هر چیزی نکته‌ای نهفته است و عبرتی. هیچ موضوعی نیست که فکر